

## لماذا نهى يعقوب (عليه السلام) ابنه عن قص رؤياه ؟

چرا حضرت يعقوب (عليه السلام) پسر خود را از بازگویی رؤيايش نهی کرد؟

قال تعالى: ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ \* قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (1).

خدای متعال می‌فرماید: «آن گاه که یوسف به پدر خود گفت: ای پدر، من در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم که سجده‌ام می‌کنند \* گفت: ای پسرکم، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن، که برای تو حيله‌ای می‌کنند زیرا شیطان برای آدمیان دشمنی آشکار است» (2).

يقول السيد أحمد الحسن (عليه السلام) في بيان سبب نهى يعقوب (عليه السلام) ابنه يوسف (عليه السلام) عن أن يقص رؤياه على إخوته:

سيد احمد الحسن (عليه السلام) در خصوص علت این که چرا يعقوب (عليه السلام) پسرش يوسف (عليه السلام) را از حکایت کردن خوابی که دیده بود برای برادرانش نهی نمود، می‌فرماید:

[ الرؤيا اعتبرها يعقوب (عليه السلام) في القرآن دليل تشخيص لخليفة الله يوسف (عليه السلام)، وحذره من قصها على إخوته؛ لأنهم سيعرفون أنه خليفة الله ووصي يعقوب منها.

«در قرآن، يعقوب (عليه السلام) رؤيا را دلیلی بر تشخیص یوسف خلیفه الله دانست و وی را از این که خواب را برای برادرانش نقل کند بر حذر داشت زیرا در این صورت آنها می‌فهمیدند که وی خلیفه‌ی خدا و جانشین يعقوب (عليه السلام) خواهد بود.

1. يوسف: 4 - 5.

2 - يوسف: 4 و 5.

ومع هذا، هؤلاء الجهلة ينكرون؟! لا أدري كيف يدعون أنهم  
يؤمنون بالقرآن؟!

با این وجود، این جاهلان انکار می‌کنند؟! نمی‌دانم چه طور مدعی هستند که به قرآن ایمان دارند؟!

لو كان العذر أنهم يجهلون التفسير، فقد بينا لهم، ولا يمكنهم  
الإنكار، فما بقي إلا العناد].

اگر عذرشان این است که تفسیر نمی‌دانند، اینک ما موضوع را برای آنها روشن ساخته‌ایم و دیگر  
مجال برای انکار نیست. حال جز لجابت و خیره‌سری دیگر چه باقی مانده است؟!«.

إذا اتضح هذا، أقول: ألا يستحي المستهزؤون بالرؤى كدليل  
يشخص مصداق خليفة الله من أقوالهم التي يستخفون بها الناس  
ويحملونهم على جحود وحي الله وتكذيبه، وهل هم أظهر أو أكثر  
إيماناً من أم موسى (عليه السلام)، أو أفهم بدين الله من نبي الله يعقوب  
(عليه السلام)؟!

حال که این مطلب واضح شد، من می‌گویم: آیا کسانی که رؤیا را مسخره می‌کنند در حالی که  
رؤیا دلیلی برای تعیین مصداق خلیفه‌ی الله است، از سخنان خود که مردم را با آن به سبک مغزی  
می‌کشاند و بر انکار و تکذیب وحی الهی سوق می‌دهند، خجالت نمی‌کشند؟ آیا پاکی و ایمان اینها  
بیش از مادر حضرت موسی (عليه السلام) است؟! یا از حضرت یعقوب (عليه السلام) - پیامبر خدا - به  
دین الهی عالم‌تراند؟!